

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس‌خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌های این معلمتان از شما خواهد گرفت، ببینید.

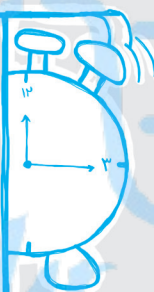
(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزار شده در سال‌های ۹۸، ۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ آزمون‌های نهایی خرداد ۹۸، خرداد و شهریور ۹۹ و دی ۱۴۰۰ هستند که طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر فصل تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و شهریور ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ هستند.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۱ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!



## بازمبندی درس عربی، زبان قرآن (۳) انسانی

نوبت دوم شهریور و دی	نوبت اول	مهارت‌های زبانی
۲	۲	واژه‌شناسی
۹	۹	ترجمه به فارسی
۷	۷	شناخت و کاربرد قواعد
۲	۲	درک و فهم
۲۰	۲۰	جمع

## فهرست

صفحه	صفحه	نوبت	صفحه
آزمون	پاسخ‌نامه		پاسخ‌نامه
۳	۳۲	اول (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۱
۵	۳۳	اول (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۲
۷	۳۴	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۳
۹	۳۵	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۴
۱۱	۳۶	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۵ نهایی خرداد ۹۸
۱۴	۳۷	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۶ نهایی خرداد ۹۹
۱۷	۳۹	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۷ نهایی شهریور ۹۹
۲۱	۴۱	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۸ نهایی دی ۱۴۰۰
۲۴	۴۲	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۹ نهایی خرداد ۱۴۰۰
۲۶	۴۳	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۱۰ نهایی خرداد ۱۴۰۱
۲۸	۴۴	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۱۱ نهایی شهریور ۱۴۰۰
۳۰	۴۶	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۱۲ نهایی شهریور ۱۴۰۱
۴۷			درس‌نامه توپ برای شب امتحان

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱			نوبت اول پایه دوازدهم
<b>درس اول</b>				
۰/۵	<p>۱ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. الف) فَفَرُّ بِعِلْمٍ وَلَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا. ب) بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ</p>			۱
۰/۲۵	<p>۲ أَكْتُبْ جَمْعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ</p>			۲
۰/۵	<p>۳ اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. الف) ﴿وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾ ۱) سخنشان تو را غمگین نمی کند؛ زیرا همه ارجمندی را خدا دارد. ۲) گفتارشان تو را نباید اندوهگین کند؛ زیرا ارجمندی همه برای خداست. ب) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوقٌ﴾ ۱) همانا خداوند کسانی را که در راهش گروهی می جنگند دوست می دارد، گویا آن‌ها ساختمانی استوار هستند. ۲) قطعاً خداوند هر کسی را که در مسیرش گروهی جنگ کرده است دوست می دارد، انکار آن‌ها ساختمان استوار هستند.</p>			۳
۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵	<p>۴ تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمَلِ: الف) ﴿... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ...﴾ ب) ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ج) ﴿... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...﴾ د) لَا تَجْتَمِعْ حَصَلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُهْلُ وَالْكَذِبُ ه) ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ و) لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا! لِأَنَّ الرَّبِيعَ قَصِيرٌ هُنَا.</p>			۴
۱ ۱	<p>۵ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ. الف) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ ب) يَا رِزَّاقُ كُلَّ مَرْزُوقٍ وَ يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ.</p>			۵
۰/۵	<p>۶ عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. x ✓ الف) التَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ..... ب) طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ يُشْبِهُ الْمَيِّتَ.....</p>			۶
<b>درس دوم</b>				
۰/۲۵	<p>۷ أَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. إِنْفَجَرَتِ الْأَرْضُ فِي تِلْكَ الْقَنَاةِ بِمَقْدَارٍ مِنَ الدِّينَامِيَّتِ بَلَّغَ خَمْسَةَ أَطْنَانٍ.</p>			۷
۱/۵	<p>۸ كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارَسِيَّةِ. الف) يَسْتَفِيدُ الْمُهَنْدِسُونَ مِنَ الدِّينَامِيَّتِ لِحِفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقَنْوَاتِ وَ إِنْشَاءِ الطُّرُقِ. مهندسان از دینامیت برای کندن ..... و ..... کانال‌ها و ..... راه‌ها استفاده می کنند. ب) نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلِيلِ وَ بِهِ نُسْتَعِينُ. از ..... خرد و زشتی ..... به خدا پناه می بریم و از او .....</p>			۸
۱ ۱ ۰/۷۵	<p>۹ تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمَلِ. الف) مَنْ أَدْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي. ب) عَمِلَ الْفَرْدُ عَلَى تَطْوِيرِ تِلْكَ الْمَادَّةِ مُجَدِّدًا. ج) ﴿... إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾</p>			۹

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه دوازدهم	نمره
	عربی، زبان قرآن (۳)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه
	kheilisabz.com		
۱۰	عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ. ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ الف) الْمُطْمَئِنَّةُ: □ (۱) اسم - مؤنث - معرفه - مفرد/ صفت □ (۲) اسم - مفرد - معرفه/ مضاف إليه ب) ارْجِعِي: □ (۱) فعل ماضى - ثلاثى مزيد - سوم شخص مؤنث/ فاعل آن «أنتِ» □ (۲) فعل امر - دوم شخص - مفرد - ثلاثى مجرّد/ فاعل آن «ي» ج) رَاضِيَةً: □ (۱) اسم - نكرة - مذكّر - مفرد/ مفعول □ (۲) مفرد - مؤنث - نكرة/ حال	من اگر های شما باشم از نقش (المقلّ الإعرابي) شروع می‌کنم. با دقت به کلمه اول عبارات، می‌تونی واژه مناسبش رو هرس بزنی. به حرکات و جایگاه هر نقش در جمله توجه کنید.	۰/۷۵
۱۱	صَغَ فِي الْمَرْبَعِ الْعَدَّةَ الْمُنَاسِبَ «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً». □ (الف) حَسْرَةً تَأْكُلُ الْمَحَاصِيلَ الزَّرَاعِيَّةَ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَقْفِرَ مِثْرًا وَاحِدًا. □ (ب) تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِأَمْوَاءٍ، وَ قَدْ يُسَمَّى بِذَلِكَ وَ إِنْ زَالَتْ عَنْهُ الرُّطُوبَةُ. □ (ج) جِزَاءُ الْأَمَانِ □ (د) الْجِرَادَةُ		۰/۵
۱۲	مَيَّزَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: □ (۱) المفعول المطلق و نوعه □ (۲) المضاف إليه □ (۳) الحال □ (۴) المستثنى □ (۵) اسم الحرف المشبهة بالفعل إذا أَرَدْتُمْ أَنْ تَنْجَحُوا فِي عَمَلِكُمْ فَتَقَوُّوا بِهِ مَتَوَكِّلِينَ. ﴿وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ يَتَأَمَّنُ هَذَا السَّمَكُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ.		۱/۷۵
۱۳	اَكْتَبَ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....	اگر متضاد و مترادفها رو فقط نیستی، ترجمه کن تا جواب رو به دست بیاری. الْفَسِيلَةَ - رَاحَ - رَجَا - الْقَرْسَ - جَاءَ - الْقَرْيَةَ	۰/۵
۱۴	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الْقَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. □ الْيَافِعِ □ الطُّفْلِ □ الْمُعَزَّزِ □ الشَّيْخِ	کلمات هماهنگ، در یک وب‌رنگی با هم یکسان هستند.	۰/۲۵
۱۵	تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ. الف) يا صديقي، لا تقل كلاماً إلا الحقَّ أبداً. ب) ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفِي حُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾		۰/۷۵
۱۶	خَبَّرَهَا رَسُولُ اللَّهِ بَيْنَ الْإِقَامَةِ مَعَهُ مُعَزَّزَةً أَوْ الْعُودَةَ إِلَى قَوْمِهَا. فَرَسْتَادَةٌ خَدَا أَوْ رَا مِيَانَ ..... هَمْرَاهُ أَوْ ..... يَا ..... بِه سَوَى قَوْمِش .....		۱
۱۷	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةَ لِلْعِبَارَاتِ: (دَوُوبٌ - طُنٌّ - أَعْتَقَ - فَظٌ - رِءَاءٌ) □ (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ: ..... □ (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ: ..... □ (۳) قِطْعَةٌ مِنَ قِمَاشٍ يَلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِسِ، كَالْعِبَاءَةِ: ..... □ (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ: .....	یکی دو تا کلمه اول هر عبارت، مهم‌ترین بخش برای رسیدن به جوابه!	۱
۱۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. الف) لِنَغْرَسِ أَشْجَارًا لِكَيْ يَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا الْآخَرُونَ. ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا يُجْعَلُ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَسْسَعُ.	هواستون به نوع فعل، صيغة فعل و بقیه ریزه‌کاری‌ها باشه. ب) عِنْدَمَا دَخَلَ عَلِيٌّ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ أَجْلَسَهُ النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَهُ.	۱
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	

ردیف	آزمون شماره ۹	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰				
۱	<p>ترجم الكلمات التي تحتها خط:</p> <p>(الف) خَلِقُوا مِنْ تُحَايِينَ:</p> <p>(ج) ثُمَّ رَاحَ نَحْوَ وَالِدَيْهِ:</p>	<p>(ب) واصل الْفِرْدُ عَمَلَهُ دَوْبًا:</p> <p>(د) إِنَّكَ تَعَدَّيْتَ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ:</p>			
۰/۵	عَيْنِ الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادَفِ:	<p>المزارع - أذءاء - راقب - أفلأح - إطلع - الصأحه</p> <p>(الف) ..... = ..... (ب) ..... ≠ .....</p>			
۰/۵	<p>الف) عَيَّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ فِي المَعْنَى:</p> <p>الْقَشْر <input type="checkbox"/> الألفظ <input type="checkbox"/> الأجدع <input type="checkbox"/> الغصن <input type="checkbox"/></p> <p>(ب) أَكْتُبُ مفرد الكلمة: «هذه المَطَاعِمُ فِي المَدِينَةِ كَثِيرَةٌ»:</p>				
۰/۷۵	<p>ترجم العبارات إلى الفارسية:</p> <p>(الف) ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾</p> <p>(ب) ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾</p> <p>(ج) وَ قَدَّرُ كُلَّ أَمْرِي مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَ لِلرَّجَالِ عَلَى الأَفْعَالِ أَسْمَاءُ.</p> <p>(د) شَعَرَ نوبل بِالذَّنْبِ وَ بِخَبِيئَةِ الأَمَلِ مِنْ هَذَا العُنْوَانِ وَ بَقِيَ حزينًا.</p> <p>(هـ) أَعْتَقَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ الشَّيْمَاءَ وَ أَرْسَلَهَا إِلَى قَوْمِهَا بِإِعْزَازٍ.</p> <p>(و) مَا شَاهَدَ أَنُوشِروانُ فِي الطَّرِيقِ إِلاَّ عَجُوزًا يَغْرُسُ فُسَيْلَةَ جُوزِ.</p> <p>(ز) قَدْ اسْتَفَادَ الإِنْسَانُ مِنَ الدِّينَامِيتِ وَ سَهَّلَ أَعْمَالَهُ الصَّعْبَةَ فِي حَفْرِ الأَنْفَاقِ.</p> <p>(ح) هَجَمَتِ البُومَاتُ عَلَى الأَفْرَاحِ هُجُومًا.</p> <p>(ط) إِيجَادُ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ مِنْ مُهَدِّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ.</p> <p>(ي) يَا إِلَهِي! وَ إِثْمًا الدُّنْيَا سَلامًا شاملاً كُلِّ الأَجْهَاتِ.</p> <p>(ك) دَوَأُوكَ فَبِكَ وَ مَا تُبْصِرُ.</p> <p>(ل) راقبَ الحَبِيرُ المِزْرَعَةَ مُراقِبَةً شَدِيدَةً.</p>				
۰/۷۵	عَيَّنِ نَوْعَ الكَلِمَاتِ: (۱) إِسْمُ الفاعِلِ (۲) إِسْمُ المفعول (۳) اسم التَّفْضِيلِ (۴) إِسْمُ المبالغة	<p>«يا عَفَّارَ الذُّنُوبِ! يَوْمَ العَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الجُورِ عَلَى المَظْلُومِ»</p>			
۰/۵	<p>إنتخب التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:</p> <p>(الف) أَشَاهِدُ قاسمًا وَ هُوَ جالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ:</p> <p>(۱) <input type="checkbox"/> قاسم را دیدم، در حالی که میان دو درخت نشسته بود.</p> <p>(۲) <input type="checkbox"/> قاسم را می بینم، در حالی که میان دو درخت نشسته است.</p> <p>(ب) تَجْتَهُدُ الأُمُّ لِتَرْبِيَّةِ أولادِها اجتهادًا بالغا:</p> <p>(۱) <input type="checkbox"/> مادر برای تربیت فرزندش تلاش می کند.</p> <p>(۲) <input type="checkbox"/> مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می کند.</p>				
۰/۵	عَيَّنِ الصَّحِيحَ:	<p>(الف) ..... خَصَلْتانِ فِي مُؤْمِنٍ: الأَبْخُلُ وَ الكَذِبُ. ( <input type="checkbox"/> لا يَجْتَمِعُ - <input type="checkbox"/> لا تَجْتَمِعانِ - <input type="checkbox"/> لا تَجْتَمِعُ )</p> <p>(ب) الأَلْعَبُونَ الأِيرانيُونَ ..... مِنَ المَسابِقَةِ مُبْتَسِمِينَ. ( <input type="checkbox"/> رَجَعُوا - <input type="checkbox"/> رَجَعَ - <input type="checkbox"/> رَجَعْتُمْ )</p>			
۱	<p>كَمَّلِ الفَرَاغَ بِالتَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:</p> <p>(الف) المَغُولُ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصِّينِ.</p> <p>مغول ها ..... به چین .....</p> <p>(ب) بَلَّ ثَراهُمُ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلِ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ؟</p> <p>بلکه آنان را می بینی از گلی ..... آیا به جز گوشت و ..... و پی اند؟</p>				

شعار	kheilisabz.com	زمان آزمون: ٩٠ دقيقة	رشته: ادبيات و علوم انسانی	عربی، زبان قرآن (٣)
نمبره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ١٤٠٠			آزمون شماره ٩
١/٧٥	عَبَيْنِ الْمَخَلِّ الإِعْرَابِيَّ لِمَا تَحْتَهُ خَطًّا: الف) ﴿ يَا عِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ ﴾ ب) هَذَا السَّمَكُ يَخْرُجُ مِنَ الْغُلَافِ خُرُوجًا عَجِيبًا. ج) لَا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.			٩
٠/٢٥	مَيِّزْ أَسْلُوبَ الْحَصْرِ: ١) ﴿ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ ﴾ ٢) ﴿ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ ﴾			١٠
١/٥	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ: الف) قَاتَلَ: جنجيد ب) أَرْسَلَ: فرستاد ١) لَا يُقَاتِلُ صَدِيقَهُ: ٢) كَانَتْ قَدْ أَرْسَلَ الطَّعَامَ إِلَيَّ: ٣) لَنْ تُقَاتِلُوا الْأَصْدِقَاءَ: ٤) لَمْ تُزِيلْهُمْ إِلَّا مُبَشِّرِينَ: ٣) قَاتِلِ الْأَعْدَاءَ: ٢) لَا تُزِيلْ هَذِهِ الرَّسَالَةَ: ١) أَرْسَلِ الطَّعَامَ إِلَيَّ: ٢) لَنْ تُقَاتِلُوا الْأَصْدِقَاءَ: ٣) قَاتِلِ الْأَعْدَاءَ: ٤) لَمْ تُزِيلْهُمْ إِلَّا مُبَشِّرِينَ:			١١
١/٥	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: ١) المُسْتَثْنَى وَ المُسْتَثْنَى مِنْهُ ٢) المُفْعُولُ المُطْلَقُ وَ نَوْعُهُ ٣) الحَالُ ٤) المُنَادَى ﴿ رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ﴾ يَطِيرُ الطَّائِرُ طَيْرَانًا سَرِيعًا. إِسْتَعْلَى الْفَلَاحُونَ فِي الْمَرْزَعَةِ نَشِيطِينَ إِلَّا مَنْصُورًا.			١٢
١	عَيْنِ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: «الْعَجُوزُ/ الدَّوْبُ/ البَسْمَةُ/ العَوْدَةُ/ الْفَأْرَةُ/ الْمُؤَلِّمُ» الف) ضَجِكَ خَفِيفٌ بِلا صَوْتٍ. ب) حَيَوَانٌ صَغِيرٌ يَعِيشُ تَحْتَ الْأَرْضِ يَنْتَقِلُ دَاءَ الطَّاعُونَ. ج) الرَّجُلُ أَوْ الْمَرْأَةُ الْكَبِيرَةُ فِي السَّنِّ. د) الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ.			١٣
٠/٥	عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. الف) لَا تُطْعِمُوا: ١) فعل نهي، جمع مذكّر مخاطب، ثلاثيّ مزيد، معلوم، مُعْرَبٌ/ فعلٌ وَ الجملة فعلية ٢) فعل نهي، مفرد مذكّر مخاطب، ثلاثيّ مجرد، معلوم، مبنيّ/ فعلٌ وَ فاعلٌ ب) المساكين: ١) اسم، جمع تكسير، اسم فاعل، نكرة، مبنيّ/ فاعلٌ وَ مرفوعٌ ٢) اسم، جمع تكسير وَ مفردة «مسكين»، مُعْرَفٌ بِأَلٍ/ مفعولٌ وَ منصوبٌ			١٤
١	إِقْرَأِ النَّصُوصَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «يَتِيمُ التَّوَارُثُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وَجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَ بَيْتِيهَا، وَ لَكِنْ ظَلَمَ الْإِنْسَانُ الطَّبِيعَةَ وَ تَدَخَّلَ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ هَذَا التَّوَارُثِ.» «بَنَى الْفَرْدُ مَوْسَسَةً لِمُنْحِ الْجَوَائِزِ الشَّهِيرَةِ وَ مَنَحَ ثَرْوَتَهُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الدَّهْبِيَّةِ.» الف) مِمَّ يَتِيمُ التَّوَارُثُ فِي الطَّبِيعَةِ؟ ب) إِلَى مَا يُؤَدِّي تَدَخُّلُ الْإِنْسَانِ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ؟ ج) لِمَاذَا بَنَى الْفَرْدُ مَوْسَسَةً؟ د) مَا مَنَحَ الْفَرْدُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الدَّهْبِيَّةِ؟			١٥
٢٠	جمع نمرات	موفق باشيد		

# پاسخ‌نامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- الف) پس به کمک دانشی رستگار شو و برای آن جایگزینی نخواه. بلکه آن‌ها را می‌بینی که از گلی آفریده شده‌اند / آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی هستند؟
- ۲- آیا می‌پنداری تو چیز کوچکی هستی / حال آن که جهان بزرگ‌تر در تو به هم پیچیده شده است.
- چژم ← جمع (پیکرها)
- ۳- الف) گزینۀ «۲»؛ فعل «لَا يَحْزُنُ» به این علت که حرف آخرش مجزوم (ه) شده، فعل نهی است و در ترجمۀ فعل نهی غایب از کلمۀ «نباید» استفاده می‌کنیم، ولی در گزینۀ (۱) به صورت مضارع منفی ترجمه شده است.
- ب) گزینۀ «۱»؛ کلمۀ «الَّذِينَ» به معنای کسانی که در گزینۀ (۲) نادرست ترجمه شده است و فعل «يُقَاتِلُونَ» مضارع است، در حالی که در همین گزینۀ به صورت ماضی نقلی ترجمه شده است و این‌که «بنيانٌ مرصوصٌ» ترکیب وصفی و نکره است که در گزینۀ (۲) به صورت معرفه معنا شده است.
- ۴- الف) «... هیچ دانشی نداریم، جز آن چه به ما آموختی ...»
- عَلَّمْتُ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.
- ب) «همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، شاید شما بیندیشید.»
- لَعَلَّ + تَعْقِلُونَ: معادل «مضارع التزامی» است.
- ج) «... پروردگارا و آن چه را به آن هیچ نیرویی نداریم به ما تحمیل نکن ...»
- لَا تُحْمَلْ: فعل نهی از باب «تفعیل» است.
- د) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خساست و دروغ.
- لَا تُجْتَبِعْ: فعل مضارع منفی از باب «افتعال» است.
- ه) هیچ اجباری در دین نیست.
- و) کاش فصل بهار در کشور ما طولانی باشد! زیرا این‌جا بهار کوتاه است.
- ۵- الف) «قطعاً خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند.»
- «الْمُحْسِنِينَ» در ابتدایش حرف «مُهْ» و حرکت حرف ماقبل آخرش (ی) است.
- ← اسم فاعل
- ب) ای بسیار روزی‌دهنده هر روزی داده‌شده‌ای و ای فرمانروای روز قیامت.
- «رَزَّاقٍ» بر وزن «فَعَالٍ» است ← اسم مبالغه
- «مَزْزُوقٍ» بر وزن «مَفْعُولٍ» است ← اسم مفعول
- «مَالِكٍ» بر وزن «فَاعِلٍ» است ← اسم فاعل
- ۶- الف) فخر فروشی به اصل و نسب (دودمان) پسندیده است. (×)
- ب) خواهان دانش میان افراد نادان به مرده شبیه است. (×)
- ۷- زمین در آن کانال با بیش از پنج تُن دینامیت منفجر شد.
- أطنان ← مفرد طُن (تُن)
- ۸- الف) مهندسان از دینامیت برای کندن تونل‌ها و شکافتن کانال‌ها و ایجاد کردن راه‌ها استفاده می‌کنند.
- ب) از به خواب رفتن خَزَد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.
- ۹- الف) هر کس گناه کند، در حالی که می‌خندد، وارد آتش می‌شود در حالی که گریه می‌کند. اَذَنْبٌ: فعل ماضی از باب «إفعال» است. / يَضْحَكُ - يَبْكِي: فعل مضارع است.
- ب) آلفرد تلاشگرانه، بهینه‌سازی آن ماده را انجام داد.
- ج) «همانا ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است، تباہ نمی‌کنیم.»
- لَا تُضَيِّعْ: فعل مضارع منفی است. / أَحْسَنُ: فعل ماضی از باب «إفعال» است.
- ۱۰- الف) اَلْمُطْمَئِنَّةُ: گزینۀ «۱»
- چون «ال» دارد اسم است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / «ال» دارد معرفه است. / چون ویژگی «التَّائِسُ» را بیان می‌کند، صفت آن محسوب می‌شود.

- نکته:** «التَّائِسُ» مؤنث معنوی است (یعنی ظاهر مؤنث ندارد، اما در معنا مؤنث است)، به همین منظور «اَلْمُطْمَئِنَّةُ» که صفت آن است مؤنث می‌باشد.
- ب) اِرْجَعِي: گزینۀ «۲»
- از ظاهر فعل مشخص است که اول آن «الف» اضافه شده است و آخر آن «مجزوم» است، بنابراین «فعل امر» است. / با توجه به شناسۀ «ی»، دوم شخص مفرد مؤنث می‌باشد. / فعل «اِرْجَعِي» شناسۀ «ی» دارد که فاعلش محسوب می‌شود.
- ج) راضِيَةٌ: گزینۀ «۲»
- چون تنوین دارد، اسم و نکره است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / به دلیل این‌که حالت «التَّائِسُ» را بیان می‌کند و هم تنوین «ة» دارد و هم این‌که مانند «التَّائِسُ» مفرد مؤنث است «حال» می‌باشد.
- ۱۱- الف) حشرهای که محصول‌های کشاورزی را می‌خورد و می‌تواند یک متر ببرد.
- (۳) ← اَلْبَجَرَادَةُ: ملخ
- ب) خاکی که با آب مخلوط است و گاهی به آن نامیده می‌شود، اگرچه رطوبت از آن برود.
- (۱) ← اَلطَّيْنُ: گِل
- ۱۲- (۱) مفعول مطلق: تَوَمَّأَ (زیرا مصدری نکره و منصوب از فعل جمله است).  
نوع آن: نوعی (زیرا بعد از مفعول مطلق، صفت آمده است).
- ۲) مضاف‌الیه: کم (زیرا ضمیر کم به یک اسم (عَمَلٌ) متصل شده است). / شيءٌ (زیرا قبل از آن اسمی بدون (ال و تنوین) قرار گرفته است).
- ۳) حال: مَتَوَكِّلِينَ (زیرا اسمی نکره منصوب و مشتق (اسم فاعل) می‌باشد و حالت را بیان می‌کند).
- ۴) مستثنی: العِلْمُ (زیرا اسمی است که بعد از اِلَّا آمده است).
- ۵) اسم حرف مشبّهة بالفعل: اَلْعَهْدُ (زیرا بعد از اِنَّ قرار گرفته است).
- ۱۳- الف) اَلْفُسَيْلَةُ = اَلغَرَسُ (نهال). ب) راح (رفت) ≠ جاء (آمد)
- ۱۴-  جوان کم‌سال  کودک  گرمی  پیرمرد
- «اَلْمُعَرَّزُ» صفت است و بقیۀ کلمات، اشاره به دوره‌های مختلف سنی انسان دارد.
- ۱۵- الف) ای دوستم؛ هرگز سخنی جز حق نگو.  
لَا تَقُلْ: فعل نهی است.
- ب) «همانا انسان در زیان است، جز کسانی که ایمان آورده‌اند و کار شایسته انجام دادند.»  
آمَنُوا: فعل ماضی است. / عَمِلُوا: فعل ماضی است.
- ۱۶- فرستاده خدا او را میان ماندن همراه او با عَزَّت یا برگشت به سوی قومش اختیار داد.
- ۱۷- (۱) او را آزاد قرار داد و از بندگی خارجش کرد: اُعْتَقَ: آزاد کرد
- ۲) کسی که در تمام کردن کارش تلاش می‌کند و احساس خستگی نمی‌کند: دَوَّبَ: با پشتکار
- ۳) تکه‌ای پارچه که روی لباس‌ها می‌پوشند، مانند عبا: رداء (روپوش بلند)
- ۴) وزنی معادل هزار کیلوگرم: طُنُّ (تُن)
- ۱۸- الف) درختانی را باید بکاریم، تا دیگران از میوه‌هایش بخورند.  
لِ+ تَعْرِسُ ← لِنَعْرِسُ: فعل امر اول شخص جمع است.  
لِکي + يَأْكُلُ ← لِکي يَأْكُلُ: تا بخورد.
- ب) هنگامی که علی عليه السلام در مسجد وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را نزد خودش نشانید.  
أَجْلَسَ: فعل ماضی از باب «إفعال» است.
- ج) هر ظرفی با آن چه در آن قرار داده شده است، تنگ می‌شود، جز ظرف دانش؛ زیرا با آن فراخ می‌شود.  
يَنْسَخُ: فعل مضارع از باب «إفتعال» است.

۲۷- (۱) اسم التفضیل: أفوی (بر وزن «أفعل»)

(۲) اسم الفاعل: العامل (بر وزن «فاعل»)

(۳) اسم المفعول: الموجودات (بر وزن «مفعول»)

(۴) اسم المكان: المتصنع (بر وزن «مفعول»)

۲۸- پاسخ‌دهنده - دوازده - فیزیک - گل - استخوان - ده

(الف) فیزیک دانشی است که دربارهٔ ویژگی‌های مواد و پدیده‌های طبیعی و نیرو جست‌وجو می‌کند. الفیزیا

(ب) چهل تقسیم بر چهار مساوی است با ده. عَشْرَة

(ج) پاسخ‌دهنده همان کسی است که دعا را می‌پذیرد و آن از نام‌های نیکوی خداوند است. المجیب

(د) گل خاک درهم‌آمیخته با آب است. الطین

### ◀ (آزمون شماره ۹ نوبت دوم) ▶

۱- الف) از مس آفریده شد. (ب) آلفرد کارش را با پشتکار ادامه داد.

(ج) سپس سمت پدرش رفت. (د) تو به نظام طبیعت دست‌درازی کردی.

۲- کشاورز - بیماری - مراقبت کرد - کشاورز - آگاهی یافت - سلامتی

(الف) المزارع = الفلاح (کشاورز) (ب) الداء (بیماری) ≠ الصّحة (سلامتی)

۳- الف)  پوست  تندخو  تنه  شاخه

به غیر از کلمه «الْفَطَّ» بقیه گزینه‌ها به درخت مرتبط هستند.

(ب) این رستوران‌ها در شهر بسیار است.

مطاعم ← مفرد (رستوران)

۴- الف) «پروردگارا، مرا و فرزندانم را برپادارندهٔ نماز قرار بده، پروردگارا دعایم را بپذیر.»  
إجعل: فعل امر است.

تَمَلَّ: فعل امر از باب «تَفَعَّل» است.

(ب) «همانا ما پاداش کسی که کاری را نیکو انجام داده است، تباہ نمی‌کنیم.»

لا نُضِيعُ: فعل مضارع منفی است.

(ج) و ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد و مردان به واسطهٔ کارها نام‌هایی (شهرتی) دارند.  
کانَ يُحْسِنُ: معادل ماضی استمراری است.

(د) نوبل از این عنوان احساس گناه و ناامیدی کرد و ناراحت باقی ماند.

شَعَرَ: فعل ماضی است.

يَقِي: فعل ماضی است.

(ه) فرستادهٔ خدا ﷺ شیما را آزاد کرد و او را با عزت نزد قومش فرستاد.

أَعْتَقَ: فعل ماضی از باب «إفْعَال» است.

أُرْسِلَ: فعل ماضی از باب «إفْعَال» است.

(و) انوشیروان در راه فقط پیرمردی را دید که نهال گردویی می‌کاشت.

شاهد: فعل ماضی از باب «مفاعلة» است.

يَعْرِسُ: فعل مضارع است و چون در عبارت نقش صفت از نوع جملهٔ وصفیه دارد به کمک فعل قبلی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

این عبارت اسلوب حصر می‌باشد و به همین خاطر به صورت مثبت ترجمه شده است.

(ز) انسان از دینامیت استفاده کرده است و کارهای سختش را در کندن تونل‌ها آسان کرده است.  
قَدْ اسْتَفَادَ: معادل ماضی نقلی است.

سَهَّلَ: فعل ماضی است. به این علت که به فعل قبلی عطف شده باید به صورت ماضی نقلی ترجمه شود.

(ح) جغدها به جوجه‌ها بدون شک حمله کردند.

هَجَمَتْ: فعل ماضی است.

هجوماً: مفعول مطلق تأکیدی است.

(ط) ایجاد زباله‌های صنعتی از تهدیدکنندگان طبیعت است.

(ی) ای خدای من! دنیا را از صلیحی فراگیر در همهٔ جهت‌ها پر کن.

إملاً: فعل امر است.

(ک) داروی تو در توست و نمی‌بینی.

ما تُبْصِرُ: فعل مضارع منفی است.

(ل) کارشناس از مزرعه به شدت مراقبت کرد.

راقب: فعل ماضی از باب «مفاعلة» است.

مراقبة: مفعول مطلق نوعی است.

۵- یا غَفَّار الذُّنُوب. (ای بسیار آمرزندهٔ گناهان)

اسم مبالغه

يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمُظْلَمِ

اسم مفعول	اسم	اسم	اسم
	تفصیل	فاعل	

(روز عدالت برای ستمکار سخت‌تر از روز بی‌انصافی برای ستم‌دیده است.)

(۱) اسم الفاعل: الظالم (بر وزن فاعل از ثلاثی مجرد)

(۲) اسم المفعول: المظلوم (بر وزن مفعول از ثلاثی مجرد)

(۳) اسم التفضیل: أَشَدُّ (بر وزن أَفْعَل (أَقْل))

(۴) اسم المبالغة: غَفَّار (بر وزن فَعَّال)

۶- الف) گزینهٔ «۱»؛ فعل مضارع «أشاهد» در گزینهٔ (۱) به صورت ماضی ترجمه شده است.

(ب) گزینهٔ «۲»؛ کلمه «اولاد» جمع مکسر «ولد» است که در گزینهٔ (۱) به صورت مفرد ترجمه شده و در همین گزینه کلمه «بالغاً» که صفت برای مفعول مطلق عبارت است، ترجمه نشده است.

۷- الف) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغ‌گویی.

لا تَجْتَمِعُ

فاعل جمله «حَصَلْتان» مثنای مؤنث است، ولی باید یادمان باشد که فعل ماضی و مضارع در ابتدای جمله به صورت مفرد به کار می‌رود، بنابراین ما به فعل مفرد مؤنث نیاز داریم که «لا تَجْتَمِعُ» درست است.

(ب) بازیکنان ایرانی با لبخند از مسابقه بازگشتند.

رَجَعُوا

«رَجَعْتُم: برگشتید» با معنای جمله هماهنگ نیست و «رَجَعَ: برگشت» نیز مفرد است و با «اللاعبون» هماهنگ نیست. بنابراین «رَجَعُوا» فعل مناسب برای این عبارت محسوب می‌شود.

۸- الف) مغول‌ها توانستند به چین حمله کنند.

(ب) بلکه آنان را می‌بینی از گلی آفریده شدند، آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟

۹- الف) ﴿يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ﴾

منارا  
قبر هروف مشبوهة بالفعل

(ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، همانا زمین من گسترده است.)

عباد: اسم بعد از حرف ندای «یا» منادا می‌باشد.

إِنَّ از حروف مشبّهة بالفعل است، «أرض» اسم آن و «وَاسِعَةٌ» خبرش محسوب می‌شود.

(ب) هَذَا السَّمَكُ يَخْرُجُ مِنَ الْغُلَافِ خُرُوجاً عَجِيباً.

مبتدا  
صفت

(این ماهی از پوشش شگفت‌انگیز خارج می‌شود.)

جمله با اسم اشارهٔ «هذا» شروع شده، بنابراین «هذا» مبتدا است.

کلمهٔ «عجیباً» از هر لحاظ شبیه اسم قبل از خودش است، بنابراین صفت آن محسوب می‌شود.

(ج) لا شيءَ أَحْسَنَ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.

اسم لای نفی نفس پار و مهرور مضاف‌الیه

(هیچ چیزی نیکوتر از بخشش هنگام قدرت نیست.)

همیشه بعد از «لا»ی نفی جنس اسمی می‌آید که «ال» و تنوین ندارد و همیشه مفتوح (ـ) است. «مِن» از حروف جر است و با اسم بعد از خودش «العفو» جار و مجرور می‌باشد.

«الْقُدْرَةُ» مجرور شده و با توجه به کلمهٔ قبلش که اسمی بدون ال و تنوین است، «مضاف‌الیه» می‌باشد.

۱۰- گزینهٔ «۲»؛ در گزینهٔ (۱) جملهٔ قبل از «إلا» مثبت است، بنابراین جمله اسلوب استثنا است. ولی در گزینهٔ (۲) هم جملهٔ قبل «إلا» منفی است و هم مستثنی‌منه محذوف است، بنابراین اسلوب حصر می‌باشد.

۱۱- الف) (۱) با دوستش نباید بجنگد. (لا يُقاتِلْ: فعل نهی سوم شخص است.)

(۲) با دوستان نخواهید جنگید. (لَنْ تُقاتِلُوا: فعل مستقبل منفی است.)

- ۲- پناه برد - پنهان می کند - بالارفتن - پنهان می کند - پایین آمدن - بالا  
(الف) یَسْتَرُ = یَكْتُمُ (پنهان می کند)  
(ب) صُعُود (بالارفتن) ≠ نُزُول (پایین آمدن)  
۳- در بقیه گزینیه‌ها به دوره سنی اشاره شده است و کلمه «الوعاء» متفاوت است.  
□ جوان کم سال □ جوان □ نوجوان  
□ پیر □ شیشه   
۴- صَبِي جمع ← صَبِيان (کودکان)

در کشور سوئد کودکی متولد شد.

- ۵- الف) «اگر تندخو و سنگدل بودی، بی گمان از اطرافت پراکنده می شدند.»  
(ب) «از رحمت خدا جز قوم کافر ناامید نمی شوند.» (از رحمت خدا تنها قوم کافر ناامید می شوند).  
لا يَيْئَسُ: فعل مضارع منفی است. چون این عبارت اسلوب حصر است، هر دو ترجمه بالا درست است.

(ج) «ای انسان چه چیز تو را نسبت به پروردگار کریمت (بزرگوارت) فریب داد؟»  
عَزَاكَ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.

(د) آلفرد، کار بهینه‌سازی دینامیت را با پشتکار ادامه داد.

واصل: فعل ماضی از باب «تفاعل» است.

(ه) انسان در فعالیت‌هایش به طبیعت بدون شک ستم کرد.

ظَلَمَ: فعل ماضی است و «ظُلماً» مصدر منصوب از فعل جمله است. (مفعول مطلق تأکیدی)  
(و) هیچ چیزی زیباتر از بخشش، هنگام توانایی نیست.

(ز) ای خدای من! سینه را از شادمانی و دهانم را با لبخندها پر (لبریز) کن.  
إِمْلَأْ: فعل امر است.

(ح) علمی را به دست آور و برای آن جانشینی مخواه، زیرا صاحبان علم (دارندگان علم) زنده‌اند.  
فُزْ: فعل امر است. لا تَطْلُبْ: فعل نهی است.

(ط) کشاورز ملاحظه کرد که تعداد جوجه‌های پرندگان به تدریج کم می شود.

لا حَظَّ: فعل ماضی از باب «مفاعلة» است. يَنْقُصُ: فعل مضارع است.

(ی) همانا خفاش تنها حیوان پستانداری است که قادر به پرواز کردن است.

(ک) پدر دخترش را بنوسید و پیامبر ﷺ به او گفت: چرا بین کودکان فرق می گذاری؟  
فَقِيلَ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.

تُفَرَّقُ: فعل مضارع از باب «تفعیل» است.

(ل) اگر کشتن جغدها ادامه یابد، کشاورز مشکلاتی را در محیط زیست به گونه‌ای دردآور خواهد دید.

إِسْتَمَرَ: فعل ماضی از باب «استفعال» است.

سِيْشَاهُ: فعل مستقبل از باب «مفاعلة» است.

۶- (۱) اسم الفاعل: الخالقين (از ثلاثی مجرد بر وزن «فاعل»)

(۲) اسم التفضيل: أَحْسَن (بر وزن «أفعل»)

(۳) اسم المفعول: المَحْصُول (از ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول»)

(۴) اسم المبالغة: أَمَارَةٌ (بر وزن «فَعَالَةٌ»)

﴿ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ ﴾ - يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

اسم مبالغه اسم تفضيل اسم فاعل

الجَرَادَةُ حَسْرَةً تَأْكُلُ المَحْصُولَ

اسم مفعول

۷- الف) گزینیه «۱»؛ فعل «لا تُحِبُّ» مضارع منفی است که در گزینیه (۲) نادرست ترجمه شده و فعل «أَنْ يُقَالَ» مضارع التزامی مجهول می باشد که در همین گزینیه به صورت معلوم ترجمه شده است.

(ب) گزینیه «۲»؛ کلمه «المسجد» معرفه است که در گزینیه (۱) به صورت نکره معنا شده و فعل «كَانَ يُفَقِّهُونَ» که ماضی استمراری است در همین گزینیه به صورت مضارع ترجمه شده است.

۸- الف) «این روز قیامت است و شما نمی دانستید.»  لا تَعْلَمُونَ

با توجه به فعل «كُنْتُمْ» که دوم شخص جمع مذكر است، فعل «لا يعلمون» سوم شخص جمع مذكر و فعل «لا تَعْلَمُونَ» دوم شخص جمع مؤنث» حذف می شوند.

(۳) با دشمنان بجنگ. (فَاتِلٌ: فعل امر است).

(ب) غذا را نزد من فرستاده بود. (كَانَ قَدْ أَرْسَلَ: معادل ماضی بعید است).

(۲) این نامه را نفرست. (لا تُرْسِلْ: فعل نهی دوم شخص است).

(۳) آن‌ها را به‌جز بشارت‌دهندگان نفرستادیم. = آن‌ها را فقط بشارت‌دهندگان فرستادیم

(لَمْ تُرْسِلْ: معادل ماضی منفی ساده و نقلی است).

۱۲- ﴿رَبَّنَا وَلا تُحْمَلْنَا مَا لا طاقَةَ لَنَا بِهِ﴾

منادا

(پروردگارا، آن چه را که هیچ طاقتی بر آن نداریم بر ما تحمیل نکن).

يَطِيرُ الطَّائِرُ طَيْرَانًا سَرِيعًا. (پرنده به سرعت پرواز می کند).

مفعول مطلق نوعی

إِسْتَعْلَلَ الفَّلَّاحُونَ فِي المَرْزَعَةِ تَشْيِيطِينَ إِلَّا مَنْصُورًا.

مستثنی منه حال مستثنی

(کشاورزان به‌جز منصور در مزرعه با نشاط کار کردند).

المُسْتَثْنَى: مَنْصُورًا (اسمی که بعد از إلاً بیاید مستثنی است). / المَسْتَثْنَى مِنْهُ: الفَّلَّاحُونَ (مَنْصُورًا که مستثنی است از الفَّلَّاحُونَ جدا می شود).

المَفْعُولُ المَطْلُوقُ: طَيْرَانًا (مصدر منصوب از فعل جمله (يَطِيرُ) است). / نوعه: نوعی (مفعول مطلق (طَيْرَانًا) دارای صفت است، بنابراین نوعی است).

الحال: تَشْيِيطِينَ (مشتق، نکره و منصوب است و حالت ذوالحال خود (الفلاحون) را توضیح می دهد).

المُنَادَى: رَبِّ (حرف ندا «یا» از ابتدای رَبَّنَا حذف شده است).

۱۳- پیر - با پشتکار - لبخند - بازگشت - موش - دردآور

(الف) خنده‌ای آرام، بدون صدا. البَسْمَةُ: لبخند

(ب) حیوان کوچکی که زیر زمین زندگی می کند، بیماری طاعون را منتقل می کند: الفَأْرَةُ: موش

(ج) مرد یا زن بزرگ در سن. العَجُوزُ: پیر

(د) کسی که در انجام کارش تلاش می کند و احساس خستگی نمی کند. الدُّؤُوبُ: با پشتکار  
۱۴- لا تَطْعَمُوا المَساكينَ مِمَّا لا تَأْكُلُونَ.

نیازمندان را از آن چه نمی خورید غذا ندهید.

(الف) لا تَطْعَمُوا: گزینیه «۱»

موارد نادرست در گزینیه (۲): مفرد مذکر مخاطب - ثلاثی مجرد - مبنی

(ب) المَساكينَ: گزینیه «۲»

موارد نادرست در گزینیه (۱): اسم فاعل - نکره - مبنی - فاعل و مرفوع

۱۵- [ترجمه متن]: تعادل در طبیعت از طریق وجود روابط درهم آمیخته میان موجودات زنده و محیط زیست آن‌ها کامل می شود، ولی انسان نسبت به طبیعت و دخالتش در کارهای طبیعت که منجر به اختلال این تعادل می شود، ستم کرده است.

«آلفرد مؤسسه‌ای برای دادن جایزه‌های مشهور ساخت و ثروتش را برای خریدن جایزه‌های طلایی داد.»

(الف) تعادل در طبیعت از چه چیزی کامل می شود؟

يَمِّمُ التَّوَّائِنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ جِلالِ وجودِ روابطِ مُتداخِلَةٍ بَيْنَ الكائِناتِ الحَيَّةِ وَ بِيئَتِها.

تعادل در طبیعت از طریق وجود روابط درهم آمیخته میان موجودات زنده و محیط زیست آن‌ها کامل می شود.

(ب) دخالت انسان در کارهای طبیعت به چه منجر می شود؟

يُؤدِّي إِلَى اِختِلالِ التَّوَّائِنِ فِي اُمُورِ الطَّبِيعَةِ. به اختلال تعادل در امور طبیعت منجر می شود.

(ج) آلفرد چرا مؤسسه‌ای ساخت؟ بَنَى اَلْفَرْدُ مَوْسَسَةً لِمَنحِ الجَوايزِ الشَّهيرةِ.

آلفرد مؤسسه‌ای برای دادن جایزه‌های مشهور ساخت.

(د) آلفرد برای خریدن جایزه‌های طلایی چه چیزی داد؟

مَنَحَ ثَروَتَهُ. ثروتش را بخشید.

## آزمون شماره ۱۰ (نوبت دوم)

۱- الف) آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی است؟

(ب) رئیس‌های شرکت‌های ساختمانی به خریدن دینامیت روی آوردند.

(ج) شیما پیامبر را در حال کوچکی در آغوش می گرفت.

(د) موش‌های کشتزار به سبزیجات حمله کردند.



# درس نامه توپ برای شب امتحان

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

### مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

#### «الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ» وَ «لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ» وَمَعْنَى أَنْ هَا

به مثال های زیر توجه کنید:

**مثال:** ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾.

بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاس گذاری نمی کنند. (البقرة/۲۴۳)

**مثال:** ﴿لَيْتَ فَضْلُ الرَّبِّيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا﴾:

کاش فصل بهار در شهر ما طولانی باشد.

به حروفی مانند: **إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَكِنَّ، لَعَلَّ** حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ می گوئیم.

**نکته مهم:** این حروف بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) می آیند و اعراب مبتدا را تغییر می دهند، یعنی مبتدای جمله را اسم خود و منصوب (ـه، ـئ، ... ) می کند و خبر جمله را خبر خود قرار داده و مرفوع (ـه، ـئ، ... ) می نماید.

به مثال زیر و تغییر حرکات کلمات توجه کنید:

**مثال:** ﴿لَعَلَّ النَّصْرَ قَرِيبٌ﴾: امید است پیروزی نزدیک باشد.

اسم لَعَلَّ فِعْرَانٌ  
و منصوب و مرفوع

**مثال:** ﴿كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ وَلَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا﴾.

اسم لَكِنَّ فِعْرَانٌ  
و منصوب و مرفوع

اسم كَأَنَّ فِعْرَانٌ  
و منصوب و مرفوع

گویا مشتری در خرید کالا دو دل است، ولی فروشنده در فروش آن مصمم است.

**نکته:** می دانیم که اگر اسم یا خبر حروف مشبیهه بالفعل مبنی باشند حرکت آن ها تغییری نخواهد کرد.

**مثال:** ﴿كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرُوضٌ﴾: گویی آن ها ساختمانی استوارند. (الصفا/۴)

اسم كَانَهُمْ فِعْرَانٌ  
و مرفوع

**نکته:** اگر خبر حروف مشبیهه بالفعل، جمله (فعل) یا شبه جمله (جار و مجرور) باشد، حرکت آن ها تغییر نمی کند.

**مثال:** ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَافُوتَ مَلِكًا﴾ (البقرة/۲۴۷)

اسم إِنَّ فِعْرَانٌ  
و منصوب

«قَدْ بَعَثَ» اگر چه خبر **إِنَّ** می باشد، ولی چون جمله (فعل) است، حرکت آن تغییر نکرده است.

**مثال:** ﴿إِنَّ الْعِرَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (النساء/۱۳۹)

اسم إِنَّ فِعْرَانٌ  
و منصوب

«لِلَّهِ» اگر چه خبر **إِنَّ** می باشد، ولی چون شبه جمله (جار و مجرور) است، حرکت آن تغییر نکرده است.

#### فَنَ تَرْجِمُهُ

آشنایی با معانی حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ بسیار مهم است، پس به مثال ها و نکات زیر توجه کنید.

**۱ «إِنَّ»:** به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان» است؛ به عبارت دیگر، جمله پس از خود را تأکید می کند.

در متن ها و جمله هایی که مربوط به دوران جدید است می توانیم «**إِنَّ**» را ترجمه نکنیم.

**إِنَّ** هَذَا السَّمَكُ يَعِيشُ فِي إِفْرِيقَا: این ماهی در آفریقا زندگی می کند.

«**إِنَّ**» گاهی معنای «زیرا» هم دارد.

لَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِرَّةَ لِلَّهِ: سخن آن ها نباید تو را غمگین کند، زیرا عزت برای خداوند است.  
**مثال:** ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾: همانا خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (البقرة/۱۹۵)

**نکته:** «**إِنَّ**» غالباً در اول جمله می آید.

**نکته:** هرگاه **إِنَّ** به ضمیر «نا» متصل شود، به صورت «**إِنَّا**» و «**إِنْتَا**» می نویسیم.

**مثال:** ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ﴾: به درستی که ما به تو کوثر (خبر فراوان) عطا کردیم. (الکوثر/۱)

**نکته:** هرگاه **إِنَّ** به ضمیر «ی» متصل شود، می توانیم بین این دو «نون وقایه» بیاوریم و به شکل «**إِنِّي**» بنویسیم. (إِنَّ + ن + ی = إِنِّي)

**نکته:** اگر حرف «ما» به «**إِنَّ**» متصل شود، «**إِنَّمَا**» معنای تنها و فقط (أسلوب حصر) می دهد.

**مثال:** ﴿إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ﴾: افتخار تنها به خردی استوار است.

**۲ «أَنَّ»:** به معنای «که» است.

دوستان خوبم! معمولاً «**أَنَّ**» بین دو جمله می آید و آن دو را به هم پیوند می دهد.

**مثال:** أَلَا تَرَوْهُمْ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ: آیا گمان می کنی که تو موجود کوچکی هستی؟

**۳ «كَأَنَّ»:** برای «تشبیه» است و هرگاه «**كَأَنَّ**» را در جمله ای دیدید، آن را «گویایی» «مانند» و «مثل این که» ترجمه کنید.

**مثال:** ﴿كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ﴾:

گویایی خشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

**۴ «لَكِنَّ»:** به معنای «ولی» و «اما» می باشد و برای برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش یا تکمیل آن به کار می رود.

**مثال:** ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾:

و اکنون روز رستاخیز است، ولی شما نمی دانستید. (الزور/۵۶)

**۵ «لَيْتَ»:** به شکل «یا لیت» هم می آید و به معنای «کاش» و «ای کاش» است.

**مثال:** ﴿لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانِ﴾: ای کاش دوستم در امتحان موفق شود.

**نکته:** هرگاه «**لَيْتَ**» به ضمیر «ی» متصل شود، بین این دو «نون وقایه» می آید و آن را به شکل «**لَيْتَنِي**» می نویسیم. (لَيْتَ + ن + وقایه + ی = لَيْتَنِي)

**مثال:** ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾: ای کاش من خاک بودم. (النبا/۴۰)

**۶ «لَعَلَّ»:** را به معنای «شاید» و «امید است» ترجمه می کنیم.

#### نکات مهم:

حتماً تا حالا متوجه شدید که ترجمه انواع فعل در کتاب شما بسیار مورد تأکید است. بنابراین الان می خواهیم ببینیم که «**لَيْتَ**» و «**لَعَلَّ**» در ترجمه فعل چه تغییری ایجاد می کنند.

**نکته:** «**لَيْتَ**» در جایی استفاده می شود که احتمال اتفاق افتادن آن فعل بسیار ضعیف یا محال است. مثلاً «لیتنی گنتُ تراباً»: ای کاش خاک بودم.

ولی «**لَعَلَّ**» در جایی می آید که احتمال اتفاق افتادن آن وجود دارد.

لَعَلَّ النَّاسَ يَتَفَكَّرُونَ: ای کاش مردم بیندیشند.

**مثال:** ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾:

بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، امید است شما خردورزی کنید. (الزخرف/۳)

**نکته:** اگر جمله ای دارای «**لَيْتَ**» و «**لَعَلَّ**» باشد و بعد از آن فعل مضارع باید «**لَيْتَ** یا **لَعَلَّ** + فعل مضارع»، آن فعل مضارع را به صورت مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه) ترجمه می کنیم.

(لَيْتَ یا لَعَلَّ + فعل مضارع = مضارع التزامی)

**مثال:** ﴿ءَاتَيْنَا مَوْسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾:

مضارع

به موسی کتاب و فرقان دادیم شاید هدایت شوید. (البقرة/۵۳)

مضارع التزامی

متکلم) هم بیاید که در این صورت معادل معنای فارسی مضارع التزامی منفی (نباید) است (لا تَذْهَبُ = نباید بروی، لا یَحْزُنُكَ = نباید تو را غمگین کند).

**ج «لا»ی نفی مضارع:** بر سر فعل مضارع می‌آید، ظاهر فعل را تغییر نمی‌دهد و معنای آن را منفی می‌کند.

**مثال:** لا یَرْحَمُ: رحم نمی‌کند / لا یُدْکِرُ: یاد نمی‌شود

**د «لا»ی نفی جنس:** در ابتدای درس‌نامه، عملکرد و معنای آن را نوشتیم.

### فَن تَرْجَمَهُ

حُبًّا: برویم سراغ اصل ماجرا که ترجمه «لا»ی نفی جنس است.

«لا»ی نفی جنس را به معنای «هیچ ... نیست» «هیچ ... وجود ندارد» ترجمه می‌کنیم.

**مثال:** لا میراث کالادب: هیچ میراثی مانند ادب نیست.

**مثال:** لا فُقْر کالجهل: هیچ فقری مانند نادانی نیست.

### کلمات و عبارات مهم درس

#### فعل‌ها

أَبْصَرَ: نگاه کرد  
شَعَرَ: دانست - احساس کرد  
فَازَ - يَفُوزُ - فُزْتُ: رستگار شد - رستگار می‌شود - رستگار شو  
إِنْطَوَى - يَنْطَوِي: به هم پیچیده شد - به هم پیچیده می‌شود  
زَعَمَ: گمان کرد

#### سایر کلمات و عبارات

اُمْرِي: انسان  
أَلْحَدِيدُ: آهن  
أَلْجَزْمُ: بیکر  
أَلنَّحَاسُ: مس  
أَلطَّيْنَةُ، الطَّيْنُ: گل، سرشت  
أَلْعَظْمُ: استخوان  
الْبَدَلُ: جانشین  
سِوَى: جز  
أَكْفَاءُ: هم‌مرتبه، همتا  
أَلْحَدِيدُ: آهن  
أَلدَّهَبُ: طلا  
أَللَّحْمُ: گوشت  
أَلدَّاءُ: بیماری  
أَلْفِصَّةُ: نقره  
أَلعَصَبُ: پی، عصب

#### متن درس

قِيمَةُ كُلِّ اُمْرِي مَا يَحْسِبُهُ: ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد. ما تَبَصَّرُ: نمی‌بینی  
أَتَزَعَّمُ أَنَّكَ جَزْمٌ صَغِيرٌ: آیا گمان می‌کنی که تو بیکر ناچیزی هستی؟  
فِيكَ اِنْطَوَى: در تو، درهم پیچیده است.  
لِلرَّجَالِ عَلَيَّ الْأَفْعَالُ أَسْمَاءٌ: برای مردان براساس انجام کارها ارزش (و نامی) است.  
فَقَرُّ يَعْلَمُ: با دانستی رستگار شو. (با دانش موفق شو)  
أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بَالسَّيْبِ! ای جاهلانه افتخارکننده به دودمان!  
هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فَصَّةٍ: آیا آنان را می‌بینی که از نقره آفریده شده‌اند؟  
هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ: آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند؟  
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَظْمٍ ثَابِتٍ: افتخار، تنها به خردی استوار است.

### کلمات و عبارات تمارین

يُشَبِّهُ الْمَيِّتَ: شبیه به مرده است.  
الصَّفِّ: ردیف  
كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: نمی‌دانستید  
أَلْعَصَاةُ: آمیوه‌گیری  
لَا سِوَا أَسْوَأَ مِنَ الْكُذْبِ: هیچ بدی بدتر از دروغ نیست.  
لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ: گفتارشان نباید تو را اندوهگین سازد.  
لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ: هیچ اجباری در دین نیست.  
لَا تَطْعَمُوا: نخورانید  
لَا تَسْبُوا: دشنام ندهید  
لَا يَرْحَمُ: رحم نمی‌کند  
أَسْرَى بِ: حرکت داد  
أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ: به آن چه پنهان می‌کنند، داناتر است.  
أَلْبُعْثُ: رستاخیز  
أَلنَّبِيَّاتُ الْمَرْصُوعُ: ساختمان استوار  
المُتَرَدِّدُ: دودل، تردیدکننده  
ما یلی: آن چه می‌آید

همان‌طور که در مثال می‌بینید، فعل «تَهْتَدُونَ» مضارع است، ولی چون قبلش «لَعَلَّ» آمده به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم.

**مثال:** يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ: ای کاش قوم من بدانند.

مضارع التزامی

**نکته:** اگر جمله‌ای دارای «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» باشد و پس از آن‌ها فعل ماضی بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ + فعل ماضی) آن فعل ماضی را می‌توانیم به صورت ماضی استمراری (می + ماضی ساده) یا ماضی بعید (بن ماضی + ه + بود + شناسه) ترجمه کنیم.

**مثال:** لَيْتَ نَاصِرًا اِنْتَعَدَ عَنِ الْكُفْلِ.

ماضی

ماضی استمراری: کاش ناصر از تنبلی دوری می‌کرد.

ماضی بعید: کاش ناصر از تنبلی دوری کرده بود.

لَيْتِنَا شَاهِدُنَا جَمِيعَ مُدُنٍ يَلَادِي.

ماضی استمراری: کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدیم.

ماضی بعید: کاش همه شهرهای کشورم را دیده بودیم.

### لَا التَّائِيَةَ لِلْجِنْسِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

**مثال:** لَا لِيَأْسَ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَاقِبَةِ: هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

**مثال:** لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ: هیچ عبادتی همانند اندیشیدن نیست.

در مثال‌های بالا «لا»ی نفی جنس و معنای آن‌ها را می‌بینید.

«لا»ی نفی جنس بر سر جمله اسمیه می‌آید و حرکت مبتدا و خبر را تغییر می‌دهد؛ یعنی مبتدای جمله را اسم خود و مفتوح (ع) می‌کند و خبر جمله را خبر خود می‌کند و مرفوع می‌نماید.

به چند مثال زیر و تغییرات حرکات کلمات توجه کنید:

**الف:** لَا فُقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ: هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

اسم و لای نفی

نقی مفس و مرفوع

**ب:** لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ: هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس نیست.

اسم و لای نفی

نقی مفس و مرفوع

### کلمات مهم

**نکته:** اسم بعد از «لا»ی نفی جنس، همیشه مفتوح (ع) است.

**نکته:** اسم پس از «لا»ی نفی جنس، همیشه بدون «ال» و «توین» است.

**مثال:** لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ: هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.

اسم و لای نفی

مفس، نکره و مفتوح نقی مفس

**نکته:** گاهی خبر «لا»ی نفی جنس حذف می‌شود. این موضوع را باید از معنای جمله و حرکات کلمات فهمید.

**مثال:** لَا إِلَهَ [مَوْجُودًا] إِلَّا اللَّهُ: هیچ خدایی جز الله نیست.

فیر و لای نفی مفس و مطرف

**نکته:** خوب است بدانید که خبر لای نفی جنس در بسیاری از جمله‌ها به صورت «جار و مجرور» می‌آید.

**مثال:** لَا خَيْرَ فِي قَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ: هیچ خیری در گفتاری نیست، مگر با کار (همراه باشد).

فیر لای نفی مفس، جار و مجرور

**نکته:** انواع «لا»

تاکنون با انواع مختلفی از حرف «لا» و معانی آن آشنا شده‌اید.

**الف:** «لا» به معنای «نه»: متضاد «نعم» است و در پاسخ «هل» و «أ» (آیا) می‌آید.

**مثال:** هَلْ الطَّالِبُ الْمُتَكَاسِلُ نَاجِحٌ؟ لا

آیا دانش‌آموز تنبل موفق است؟ خیر (نه)

**ب:** «لا»ی نهی: بر سر فعل مضارع می‌آید و آخر آن را تغییر می‌دهد (مجزوم می‌کند). با فعل نهی دوم شخص (مخاطب) آشنا هستیم (لا تَكْتُبُ = ننویس، لا تَسْبُوا = دشنام ندهید)، اما «لا»ی نهی می‌تواند قبل از فعل‌های مضارع اول و سوم شخص (غایب و